

ضد انقلاب و انقلاب (<https://www.radiozamaneh.com/100767>)

بخش چهارم و پایانی

ناصر مهاجر

روزها و ماه‌های پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷، مناطق کردستان شاهد درگیری‌ها و رویدادهای خشونت‌باری بود. آیت‌الله خمینی دستور اکید به نیروهای مسلح داده بود که به سمت کردستان حرکت نکنند.

در آن زمان بود که رفراوندوم «جمهوری اسلامی، آری یا خیر» برگزار شد و بیشتر نیروهای کرد همراه با بسیاری از نیروهای اپوزیسیون از مردم خواستند در این رفراوندوم شرکت نکنند. جنگ در برخی نقاط کردستان در گرفته بود. خلخالی که از سوی آیت‌الله خمینی به کردستان اعزام شده بود، دادگاه‌های صحرایی برپا کرده بود. آیت‌الله خمینی اعلام کرده بود، نیروهای کرد به آمریکا و صهیونیسم وابسته هستند و قصد تجزیه کردستان را دارند. این‌ها از جمله رویدادهای کردستان در اوایل انقلاب بودند.

ناصر مهاجر پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در مقاله‌ای به بررسی رویدادهای آن دوران پرداخته است. آنچه در زیر می‌خوانید بخش چهارم و پایانی این مقاله است.



(<https://www.radiozamaneh.com/u/wp-content/uploads/2013/09/28>-مرداد.دو.jpg)

عنوان درشت رسانه‌های رسمی در روز شنبه ۲۷ تیر ۱۳۵۸ درباره «مهاجمان» پاره بود. دروغ‌ها گفتند و آسمان به ریسمان دوختند: «مهاجمان مسلح در پاره، مردم و پاسداران را قتل عام کردند»، «مهاجمان ۱۸ پاسدار مجروح را در بیمارستان سرب‌بریدند و ۴۰ نفر را کشتند»، «ارتش، مواضع مهاجمان را در هم کوبید»، «۳۰۰ مهاجم به دست نیروهای اعزامی کشته شدند.» [۱]

روز یکشنبه ۲۸ تیر، در کنار «مهاجم»، صفت‌های دیگری چون «اشرار و شورشیان و ضد انقلاب» را نیز نشانند و روزنامه‌ها نوشتند: «مردم آمادگی خود را برای اعزام و سرکوبی شورشیان اعلام کرده‌اند»، «شیخ صادق خاللی به محض ورود به کرمانشاه، بررسی پیرامون وضع اشرار را آغاز کرد»، «۵۰ تا ۶۰ پاسدار شهید و بیش از ۳۰۰ مهاجم کشته شدند»، «مرزها به روی مهاجمان فراری بسته شد»، «مهاجمان، گروهی از زنان سنندج را گروگان گرفتند»، «جتهای پایگاه هوایی حر ضد انقلابیون پاره را... گوشمالی خواهند داد.» [۲]

دلیل این دگرگونی زبانی را در دو فرمانی باید جست که خمینی در شب یکشنبه ۲۷ و ظهر دوشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ صادر کرد. فرمان ۲۷ مرداد «به رئیس ستاد ارتش و رئیس کل ژاندارمری جمهوری اسلامی و رئیس پاسداران انقلاب» داده شد و فرمان ۲۸ مرداد به «کلیه قوای انتظامی». در هیچ یک از این دو فرمان به وزیر دفاع اشاره‌ای نشده است. در این دوره، وزارت دفاع را سرلشکر تقی ریاحی برعهده داشت و

«حجت‌الاسلام» سیدعلی خامنه‌ای معاون سیاسی وی بود. [۳] هر دو فرمان را می‌آوریم، به ترتیب تقویم زمانی:

«به رئیس ستاد ارتش و رئیس کل ژاندارمری جمهوری اسلامی و رئیس پاسداران انقلاب اکیداً دستور می‌دهم که به نیروهای اعزامی به منطقه کردستان دستور دهند که اشرار و مهاجمین را که در حال فرار هستند تعقیب نمایند و آنان را دستگیر نموده و با فوریت به محاکم صالح تسلیم کنند و تمام مرزهای منطقه را به فوریت ببندند که اشرار به خارج نگریزند و اکیداً دستور می‌دهم که سران اشرار را با کمال قدرت دستگیر نموده و تسلیم نمایند. اهمال در این امر تخلف از وظیفه و مورد مواخذه شدید خواهد شد.» [۴]

«کلیه‌ی نیروها و قوای انتظامی به این دستور توجه فرمایند»

بسم‌الله الرحمن الرحیم: الساعه خبر رسید که در سنج، حزب دموکرات، ارتشی‌ها و سازمان‌های آنان را محاصره کرده‌اند و اگر تا نیم ساعت دیگر کمک نرسد، اسلحه‌ها را می‌برند. و از مجد سنج به ما اطلاع داده‌اند که حزب دموکرات زن‌های ما را به گروگان برده‌اند. اکیداً به کلیه‌ی قوای انتظامی دستور می‌دهم که به پایگاه‌های مراکز ابلاغ کنند که به قدر کافی به سنج حرکت کنند و با شدت اشرار را سرکوب نمایند. پاسداران انقلاب در هر محیطی هستند به مقدار کافی به طرف سنج و تمام کردستان با پل هوایی بسیج شوند و با شدت تمام اشرار را سرکوب نمایند. تاخیر ولو به قدر یک ساعت تخلف از وظیفه و به شدت تعقیب می‌شود. از ملت ایران می‌خواهیم که مراقب باشند؛ هر یک از مامورین تخلف کردند فوراً اطلاع دهند. من انتظار دارم که تا نیم ساعت دیگر از قوای انتظامی به من خبر بسیج عمومی برسد.» [۵]

در پی این دو فرمان «شورای انقلاب اسلامی» حزب دموکرات کردستان ایران را غیر قانونی اعلام کرد. [۶] دولت در اطلاعیه‌ای ادعا کرد که «پیرو امریه رهبر انقلاب ترتیبات لازم را برای ایجاد آرامش در سنج و تامین امنیت منطقه کردنشین به وسیله نیروهای نظامی ارتش داده و... کلیه هموطنانی که آمادگی خود را در پاکسازی منطقه کردستان از عوامل ضدانقلاب و پشتیبانی از نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ابراز داشتند، می‌توانند با در دست داشتن برگه پایان خدمت، خود را به نزدیک‌ترین پادگان ارتش یا ژاندارمری یا مقر سپاه پاسداران انقلاب معرفی نمایند...» [۷]

دادستان کل انقلاب نیز «... به عموم نویسندگان، سردبیران و مدیران مطبوعات و تمام کسانی که به عناوین مختلف حزبی و غیره علیه انقلاب اسلامی ایران قدمی بردارند یا مقاله‌ای منتشر کنند»، هشدار داد با «عکس‌العمل شدید دادگاه‌های انقلاب روبه‌رو خواهند شد.» [۸] و سپس «۲۲ روزنامه و مجله توقیف شدند»؛ از جمله پیکار، کار و مردم. [۹]



<https://www.radiozameh.com/u/wp-content/uploads/2013/09/خلخالی.jpg>

صادق خلخالی در کردستان

این اما پایان کار نبود. پس از ظهر همان روز ۲۹ مرداد که رسانه‌های بیرون از «مسیر انقلاب و اسلام» تعطیل شدند، خمینی باز به منبر رفت و سخنان تازه‌ای به زبان آورد. آنچه گفت دگرگونگی تازه‌ای در گفتمان سیاسی نسبت به جنبش خلق کرد بود و نیروهای سازنده آن: «... پس از پیروزی انقلاب و اعلام جمهوری اسلامی، گروه‌هایی که با اسلام دشمن هستند و از وابستگان اجانب می‌باشند، شروع به فعالیت برضد نهضت اسلامی و برضد جمهوری اسلامی نمودند. حتی بعضی از آن‌ها علناً مخالفت کردند و رفتار دوم را تحریم نمودند. و شما برادران دیدید که حزب دموکرات کردستان وابستگی مستقیم با آمریکا و صهیونیسم دارد. در آستانه تشکیل مجلس خبرگان و پس از راه‌پیمایی عظیم مسلمانان برای قدس، سرکردگان خانن این حزب جوانان را اغفال نموده و به برادرکشی کشاندند. برادران

مسلمان من شما به تبلیغات فریبنده این مخالفین اسلام که می‌خواهند کشور مسلمان ما را به کفر بکشند، گوش ندهید و نگذارید جوانان عزیز ما به دام این منحرفین بیافتند... این حزب و مفسدین را در منطقه بگیرند و تحویل مامورین بدهند... حزب دموکرات کردستان غیررسمی و غیر قانونی اعلام شد و چون حزب شیطان است، باید تمام اهالی کردستان به وظیفه شرعیه عمل و جوانان خود را از عضویت در این حزب ممنوع نمایند و با قاطعیت تمام از توطئه این جنایتکاران جلوگیری و مخفی‌گاه‌های سران آن‌ها را به دولت و ارتش اسلامی معرفی کنند... عوامل اجانب که منافع خود و ارباب‌نانشان را در خطر می‌بینند، برای تحریک برادران اهل سنت دامن زده و برادرکشی قضیه شیعه و سنی را طرح نموده و می‌خواهند با شیطنت بین برادران اختلاف ایجاد کنند. در جمهوری اسلامی همه برادران سنی و شیعه در کار هم و با هم برادر و برابر و در حقوق مساوی هستند. هرکس خلاف این را تبلیغ کرد، دشمن اسلام و ایران است و برادران کرد باید این تبلیغات غیر اسلامی را در منطقه خفه کنند...» [۱۰]

به نیرنگ بزرگ درباره گونه اسلامی جمهوری آرمانی آیت‌الله خمینی نمی‌پردازیم و به یادآوری این نکته بسنده می‌کنیم که جمهوری اسلامی مد نظر «امام امت»، همواره حکومت شیعه اثنی عشری بود که سنی‌مذهبان در آن شهروندانی درجه دو به شمار می‌آیند؛ بی جایگاه قانونی در هرم قدرت و بدون موقعیت رسمی در سیاست‌گذاری برای امت؛ به ویژه امت اهل سنت. این تبعیض ساختاری، از دید رهبران سیاسی و دینی کردها پنهان نبود. خمینی نیز نمی‌توانست به حساسیت سنی‌مذهبان ایران نسبت به حق و حقوقشان در یک جمهوری شیعی ناآگاه باشد. هم از این روست که به لطایف الحیل می‌کوشید از پاگرفتن بحث شیعه و سنی پیشگیری کند، دامن زدن به این مسئله را توطئه دشمنان اسلام بخواند و از «برابری» و «حقوق مساوی شیعه و سنی در جمهوری اسلامی» دم زند.

هرچه بود پس از سخنرانی ۲۹ مرداد خمینی، زبان حاکمان ایران و دستگاه‌های تبلیغاتشان درباره کردها، دگرگون شد. کردهای «مهاجم»، «شورش» و «ضدانقلاب»، این بار وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم قلمداد شدند، در ردیف شیاطین جای داده شدند، مستوجب طعن و لعن و تحریم شدند و نیز اجرای حد شرعی، به جرم خیانت و فساد فی‌العرض.

نخستین کسی که گفته‌های خمینی را پی‌گرفت و به پشتیبانی از «امام امت» به آن کارزار پا گذاشت، آیت‌الله حسین علی منتظری بود. او در پیامی به مناسبت «فجایع اخیر کردستان» که در همه رسانه‌ها چاپ شد، نوشت: «... تصادف و هم‌زمانی جنایت خونین پاوه و حمله به مراکز نظامی سنندج با موضع‌گیری قاطع رهبری انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی در برابر آمریکا و اسرائیل و اعلام روز جهانی قدس در دنیای اسلام نمایانگر دست‌نشاندهی احزاب خودفروخته‌ای چون حزب دموکرات و نمایندگان خائن آن می‌باشد... اینجانب کراراً در اعلامیه‌ها و مصاحبه‌های گذشته خود موضع ضعیف و بی‌ش از حد دموکراتیک‌مابانه دولت موقت گوشزد ساخته و خواستار برخورد قاطع و اسلامی آن با عناصر ضد انقلاب بوده‌ام... بازهم سپاس که موقع شناسی و دوراندیشی امام خمینی بیش از آنکه انقلاب به ضد انقلاب تقدیم بشود به نجات می‌شتابد و درست در لحظه‌ای که دشمنان قسم خورده چپ و راست که با ائتلاف خود طرح ناجوانمردانه‌ترین یورش‌ها را به اجرا می‌گذارند و امام شخصاً فرماندهی کل قوا را به دست گرفته و با آگاهی کامل از توطئه‌ها، نقشه‌ها را خنثی می‌کنند.» [۱۱]



<https://www.radiozamaneh.com/u/wp-content/uploads/2013/09/کردستان.jpg> پس از

منتظری، آیت‌الله گلپایگانی به تائید آیت‌الله خمینی برآمد و سپس دیگر آیات عظام: مرعشی، قمی و محلاتی که اعلامیه‌اش نمونه‌وار است: «هم‌اکنون که دشمنان اسلام در پاره‌ای از نقاط کشور به طغیان و یاغیگری بر علیه کشور اسلامی و ملت مسلمان ایران پرداخته و به کشتار فجیع و وحشیانه‌ی هم‌وطنان ما اقدام نموده‌اند، بر عموم ملت شجاع و رزمنده، خاصه عشایر غیور و نظامیان دل‌آور و جوانان برومند وطن لازم می‌باشد به ندای قرآن گوش داده و به پیروی از آیه «کریمه و اعدو الیهم ما استعاضوا من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و غدوکم» به تجهیزات جنگی و وسایل دفاعی مجهز شده و خود را برای نبردی سخت و بی‌امان بر علیه ستمکاران نابکار، کفار و ابدی استعمار مهیا سازند.»

آنگاه که از همه «آیات عظام» برای جنگ‌افروزشان تأییدیه گرفتند و آیت‌الله کاظم شریعتمداری هم تن داد از بیان مخالفت با جنگ «علیه کفار و ابدی استعمار» بپرهیزد، بسیج بزرگ نیروهای اجتماعی هوادار جمهوری اسلامی را در دستور گذاشتند که بیشترشان به پاره پیشاسرمایه‌داری جامعه بستگی داشتند.

دو روزنامه همه‌خوان آن دوران، یعنی اطلاعات و کیهان، فضای سیاسی کشور را به دست می‌دهند: «عشایر و مردم روستاهای اطراف دزفول، اندیمشک و شوش آمادگی خود را برای عزیمت به پاوه اعلام کردند»، «به دنبال حرکت کاروان استان ایلام برای سرکوبی اشرار، گروهی از مردم ایوانغرب در سه گروه آماده حرکت به پاوه شدند»، «۲۰۰ تن از فدائیان اسلام از شهر ری برای مقابله با اشرار کردستان به این استان عزیمت کردند»، [۱۲] «گروهی از کشاورزان و برادران عرب مسلمان حمیدیه... در مقابل استانداری خوزستان اجتماع کردند و از استاندار... خواستند که ترتیب عزیمتشان به پاوه داده شود»، «مغازه‌داران و بازاریان شهر قم پس از دو روز تعطیلی تمام مغازها و بازار طی قطعنامه‌ای خواستار دستگیری و محاکمه عزالدین حسینی و قاسملو و همدستان او شدند و آمادگی کامل خود را اعلام داشتند که... برای سرکوبی ضد انقلابیون به مناطق اورامانات و پاوه اعزام شوند»، «... جامعه‌ی صنعتگران مسلمان، اعضای ستاد دانشجویان، جامعه معلمان ایلات ارسنجان... برای پاکسازی کردستان از عوامل ضد انقلاب ثبت نام کردند» [۱۳]، «۲۰ هزار نفر جمعیت فداکار کن و حومه... حاضرند تا آخرین قطره خون خود را... در هر نقطه از کشور نثار کنند»، «اتحادیه بافروشان میادین تهران به نمایندگی از کلیه بافروشان... آمادگی خود را جهت جهاد فی سبیل‌الله... اعلام کرد»، «گروهی از تجار، پیشه‌وران، اصناف مسلمان بازار تهران... در جهت سرکوبی عوامل ضد انقلاب در پاوه و سنندج و به منظور آمادگی جهت اعزام به مناطق مذکور به بستن مغازه‌های خود اعلام کردند»، «شورای کارگران شرکت دخانیات ایران... مراتب جانبازی و آمادگی کلیه کارگران شرکت دخانیات را برای هر نوع فداکاری در راه تحقق فرامین امام

می‌کند»، [۱۴] «بازار شمیران به خاطر اعتراض به حوادث پاوه و کردستان ساعت ده و نیم صبح دیروز تعطیل شد و صدها تن... طی راه‌پیمایی و تظاهرات... آیت‌الله خلخالی را مورد تایید قرار دادند و خواستار اعدام ضدانقلابیون، به خصوص قاسملو، عزالدین حسینی، متین دفتری و رضا مرزبان شدند و پشتیبانی خود را از توقیف روزنامه آیندگان اعلام داشتند»، «ده‌ها هزار تن از مردم کاشان پس از صدور فرمان امام خمینی در خیابان‌های این شهر دست به راه‌پیمایی و تظاهرات زدند... و با صدور قطعنامه‌ای اعمال ضد انقلابی عمال بیگانه را در کردستان محکوم کردند و برای عزیمت به شهرهای کردستان یا هر نقطه‌ای که امام دستور دهد، اعلام آمادگی نمودند.» [۱۴]

گروهی از نیروهای
کمکی خلع سلاح شدند
سپه مردم کرمانشاه برای
کمک به مردم سنندج به
سوی این شهر سرازیر شد
عده‌ای از زنان شهر به
گروگان گرفته شدند
اطلاعیه سپاه پاسداران
در باره وقایع سنندج
سپه کمک به سوی
سرازیر شده است



<https://www.radiozaman.com/u/wp-content/uploads/2013/09/28/کردستان.jpg> -مرداد-

کردستان شرکت گسترده امت اسلام، حزب الله، و سپاه پاسداران که سکان فرماندهی جهاد با کفار را به دست گرفته بود، ارتش را واداشت که درگیر جنگی شود که نه آمادگی اش را داشت و نه نقش موثری در تصمیم‌گیری‌هایش. آنچه سخنگوی دولت در این باره گفت، شنیدنی است: «درخصوص عدم مداخله ارتش و نیروهای انتظامی در وقایع پاوه و اینکه گفته شده است دولت تا قبل از فرمان امام خمینی از نیروهای ارتش استفاده نکرده است، باید بگویم که ما قبل از صدور فرمان امام... در پاوه و منطقه کردستان عملیاتی انجام داده بودیم... زمانی که امام

فرمان اعزام نیروهای انتظامی به پاوه را صادر کردند دیدید که برادران ارتشی چه سریع و قاطعانه وارد عمل شدند و به محض دخالت و پیاده شدن در منطقه، غائله پاوه فروکش کرد و ضدانقلابیون سرکوب شدند.» [۱۵] سخنگوی دولت که اینک صادق طباطبایی بود، این سخنان را در میزگرد تلویزیونی روز ۲۹ مرداد گفت. در آن میزگرد ابوشریف فرمانده عملیاتی سپاه پاسداران و مصطفی چمران فرمانده عملیاتی پاوه و مغز متفکر دولت موقت در امور نظامی شرکت نداشتند. فرماندهان ارتش شرکت داشتند و نیز وزیر دفاع، سرلشگر ریاحی.

حضور وزیر دفاع بی‌پیوند با سخنرانی همان روز خمینی نبود؛ وانمودن جنگ همچون تهاجم «عمال بیگانه»، «ایادی استعمار» و «وابستگان مستقیم به آمریکا و صهیونیسم». بی‌دلیل نبود که سرلشگر ریاحی گفتار خود را با چنین دیباچه‌ای آغاز کرد: «جمهوری اسلامی ایران اکنون در یک حالت نیمه جنگ به سر می‌برد و عوامل ضد انقلاب و دولت‌های غرب و شرق که منافع‌شان از میان رفته است، دائم به فکر ایجاد آشوب و ناآرامی در ایران هستند. با توجه به این موضوع کلیه نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران به حال آماده باش هستند.» [۱۶]

برای اینکه به لحاظ سیاسی و روحی نیز ارتش آماده تاخت و تاز در کردستان باشد، تبلیغ و تلقین را بیش از پیش ادامه دادند. در این گستره، آیت‌الله محمود طالقانی نقشی کلیدی داشت. او در نماز جمعه دوم شهریور، روز عید فطر، ترهاتی گفت که هیچ یک از رهبران جمهوری اسلامی تا آن زمان، جسارت نکرده بودند به زبان جاری کنند. گفت: «یک عده مردم جانی... مردمی که در انجام جنایت از هیچ کاری فروگذار نکردند، تازه اسم خود را دموکرات می‌گذارند. دموکراتی که مردم را به گلوله می‌بندد؛ مردم مظلوم، بی‌چاره، مردم بی‌طرف، پاسدارها، جوان‌ها، بیمارها را به گلوله می‌بندد. ای خاک بر سرشان! چقدر نام دموکرات برای این کشور خاطرات بدی داشته است. بعد از جنگ بین الملل اول یک عده دموکرات‌ها پیدا شدند، سر نخشان معلوم نبود به کجا وصل می‌شود. همه چیز را به هم ریختند. ترور کردند و بعد از آنی که قدرت متمرکز شد، آن وقت یک عده بیرونی بی‌چاره، مستضعف و فریب‌خورده را به جا گذاشته و فرار کردند و آن‌ها را دم گلوله قرار دادند. بعد از جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۰ دیدید دموکرات‌های آذربایجان چه کشتارهایی کردند. همین که قدرت مرکزی قوی شد و به طرف آذربایجان رفت، آن‌ها فرار کردند. امروز هم همان چهره‌ها هستند. به اسم دموکرات می‌آیند با شعارهای فریبنده یک عده مستضعف را جمع کردند. اگر یک مقدار فشار زیاد شد، همانطوری که حالا هست، سران فرار می‌کنند... اگر می‌خواهند کردستان را تجزیه کنند، در دامن چه کسی می‌خواهند قرار بگیرند که بهتر از دامن اسلام... باشد... ای برادران مسلمان، ای خواهران مسلمان کرد، ای کسانی که می‌دانید دل من برای شما می‌تپد و ما، همه مردم ما برای شما، برای محرومیت‌های شما و فشارهایی که بر شما وارد شده همه دلسوز هستند، چرا باید آلت دست یک مشت خودخواه و خودپرست چنین فاجعه‌ای رخ دهد و این طور چهره مردم کرد... آلوده بشود. خدا لعنتشان بکند آن‌هایی که فتنه‌ها ایجاد می‌کنند. در این روز عید صد بار به آن‌ها لعنت. چقدر ما سعی کردیم و کوشیدیم با مذاکره، با مهربانی و دور هم نشستن مسائل را حل کنیم؛ چه با این جوجه کمونیست‌های داخل خودمان و چه با آن‌ها. یک مشت جوان احساساتی ۳۰ ساله خیال می‌کنند قیام همه مردم هستند... دیگر حوصله همه را سرآوردید. ببینید آن رهبری که سر پا دلسوزی نسبت به مجروحین و مستضعفین است، چگونه او را به خشم آوردند... حالا بچشند جزای اعمال خودشان را. با کارهایی که کرده‌اند دیگر در میان مردم جایی ندارند.» [۱۷]

خطبه روز عید فطرشان، همخوان «شعارهای نماز عید فطر» بود: «آمریکا، آمریکا، ریشه هر فساد است/ چاره خلق ایران جهاد و اتحاد است»، «درود بر عاشورای پاوه/ درود بر کربلای پاوه»، «توطئه چپ و راست/ کوبنده‌اش روح‌الله‌ست»، «عزالدین حسینی اعدام باید گردد» و «حزب دموکرات را به خاک و خون می‌کشیم» [۱۸]

بدین ترتیب هم‌زمان با لشکرکشی به کردستان و کشت و کشتار مردم آن سامان، به سرکوب دگراندیشان ناسازگار با حکومت دینی در تهران و سایر شهرهای ایران نیز پرداختند: در تهران و شهرستان‌ها ۴۱ روزنامه را بستند، [۱۹] کتابفروشی‌هایی را که کتاب‌های «ضاله» می‌فروختند، به آتش کشیدند، [۲۱] دفترهای روزنامه‌های آیندگان را غارت کردند، [۲۰] به مرکزهای دانشجویان مبارز و پیشگام حمله بردند، [۲۲] به خلع سلاح انقلابیون برآمدند و... [۲۳] اما در هیچ یک از آن دو جبهه راه به جایی نبردند. ایستادگی جانانه خلق کرد و ناخرسندی جامعه مدنی از این جنگ تحمیلی که روشنگری دگراندیشان و وجدان‌های بیدار در آن نقش به‌سزایی داشت، بنیاد زمزمه مذاکره و مصالحه را گذاشت.

خمینی اما قصد واپس نشستن نداشت. می‌خواست به هر ترتیب ممکن نیروهای انقلابی را در کردستان ریشه‌کن کند، آن‌ها را از صحنه سیاست محو نماید و چنان ضربه‌ای به مخالفان پیگیر خود زند که نتوانند در فرایند شالوده‌ریزی جامعه آرمانی‌اش خللی به وجود آورند. هم از این رو بود که با رویش صداهای صلح‌خواهی، ساز تازه‌ای کوک کرد و یک باره درآمد که:

«... فاسدهایی که با خارج پیوند دارند و خائن به مملکت هستند، می‌خواهند کردستان را به نظام کمونیستی بکشانند. می‌خواهند اسلام را از کردستان محو کنند. الان هم مشغول تبلیغات سوء هستند. الان هم قلم‌های خارج و داخل به کار افتاده و تبلیغات سوء می‌کنند... مسئله کرد مطرح نیست. مسئله کمونیست مطرح است. ملت کرد ما مسلمان و متعلق به اسلام است و مسلم با مسلم جنگ ندارد. این‌ها می‌خواهند کردستان ما را به ضلالت و نظام کمونیستی بکشانند. ملت کرد باید بیدار شود و علماء کردستان توجه داشته باشند. این جرثومه‌های فساد را معرفی نمایند. ملت کردستان توجه داشته باشد که این‌ها به اسلام عقیده ندارند. این‌ها اسلام را مخالف با منافع اربابان خود می‌دانند. این‌ها نمی‌خواهند کردستان را آباد کنند، بلکه می‌خواهند خراب کنند تا کردستان را به ضلالت بکشانند و از اسلام خارج کنند... ای ریشه‌های فاسد شما نمی‌توانید کاری انجام دهید و باید از صحنه بیرون بروید. ما شما را مدفون می‌کنیم... آن‌هایی که جوان‌های ما را اغفال کردند، آن‌هایی که به اسم دموکراسی و به اسم دموکرات می‌خواهند مملکت ما را به فساد و تباهی بکشند، باید سرکوب شوند... ارتش، ژاندارمری و پاسداران ملزمند که با هم تفاهم داشته باشند و اگر با هم هماهنگ نبودند تادیب می‌شوند. مجرمند. و روسای ارتش موظفند که وسایل جنگی برای برادران پاسدار ما فراهم کنند... باید با فوریت این ریشه‌های فاسد این ریشه‌های فاسد را بکنند و ملت به آن‌ها مهلت ندهد... این‌ها از یهود بنی‌قریضه بدترند و این‌ها باید اعدام شوند...» [۲۴]

روح این سخنان در خطبه دوم نماز جمعه آیت‌الله طالقانی جلوه داشت که همان روز دهم شهریور در دانشگاه تهران برگزار شد: «... می‌آیند و می‌گویند که می‌خواهیم در سرنوشت خودمان مختار باشیم. فرهنگ کردی را تعلیم بکنیم، خوب بکنید چه کسی جلوگیری کرده است؟ می‌خواهیم انجمن شهر و روستا تشکیل دهیم؛ خوب بکنید کسی جلوگیری کرده؟ می‌خواهیم پایگاه‌های ژاندارمری و ارتش از اینجا بروند؛ پاسدارهای غیربومی بروند؛ آخرش چی؟ آخرش اینکه هر کاری خواستیم خودمان بکنیم فقط دولت مرکزی به ما نان بدهد، آرد بدهد، نفت بدهد، پول بدهد. آخر مسئله به اینجا می‌رسد هیچ حق دخالتی در کار ما ندارد... شما افسر و سرهنگ و سرباز ایرانی را تامین می‌دهید، پرچم تامین روی ماشین آن‌ها می‌زنید، بعد که آمدند بیرون به رگبار می‌بندید. با شما می‌شود عهد و پیمان بست؟ یک مردمی که از اول گفتند به جمهوری اسلامی رای نمی‌دهیم، یعنی خودشان را عملاً از ۹۸ درصد مردم مسلمان ایران جدا کردند... رای نمی‌دهید پس چه می‌خواهید؟ آن ملای مذهبی که می‌گوید من رای به جمهوری اسلامی نمی‌دهم یعنی چه؟

... همان وضعی که چهار، پنج ماه قبل برای سنندج پیش آمد و ما با دوستانمان به آنجا رفتیم. بعد از تحقیقات معلوم شد یک درگیری بین کمیته سنی و کمیته شیعه‌ها ایجاد کردند و بعد هم یک نفر با تیر مجهولی کشته شد و بعد یکی از این آقایان سران رفت و تلویزیون را گرفت و دستور داد ژاندارمری را هم بگیرند. رئیس ژاندارمری هم تسلیم شد... بعد شهربانی هم تسلیم شد. بعد به پادگان نظامی هم حمله کردند. آن‌ها از خودشان دفاع کردند. اگر آن روز مرکز نظامی ارتش سنندج سقوط کرده بود، می‌دانید چه فاجعه‌ای می‌شد؟ ما هم غافل، تا وارد شدیم عوامل و دور و بری‌های آن‌ها داد و فغان برداشتند که ارتشی‌ها، جوان‌های ما، زن‌های ما را کشتند؛ بمب و خمپاره ریختند سر ما. خُب ما هم ناراحت شدیم. چرا این کار را کردند؟... ارتش چه جنگی با این مردم داشته؟

خدا رحمت کند شهید قرنی را، با او تماس گرفتیم. او گفت ما دستوری جهت حمله ندادیم. آن‌ها به پادگان‌ها حمله می‌کنند از بالا و پایین. ما دفاع نکنیم؟... و این فریب کارها آمده بودند... جلوی ما رژه می‌رفتند که با این‌ها ما را کشته‌اند. آن وقت به من، علما و سرانشان پیغام می‌فرستند که این‌ها مثل مغول‌ها به ما حمله می‌کنند و ارتش شما آمده ما را می‌کوبد. این‌ها صدایشان از خودشان نیست کسانی بوده‌اند که رفتند خارج زیر لاک خودشان پنهان شدند. این مردم مسلمان خون دادند، حالا ساکت‌ها به صدا درآمده‌اند. تسلیم شده‌ها انقلابی شده‌اند و وابسته‌ها دوباره آمده‌اند روی کار. برادران و خواهران کرد! حساب شما از این‌ها جداست و این ننگی که دارند بر پیشانی کردستان می‌زنند و این همه مجاهدت‌ها که ملت کرد کردند، دارند از بین می‌برند. این‌ها یک عده معدودی هستند. ۳۰ میلیون جمعیت مسلمان ایران، تسلیم یک مشت عناصر وابسته و خودخواه نخواهند شد. برادران کرد باید خودشان ابتدا حساب این‌ها را برسند. نمی‌رسند ارتش دخالت می‌کند.

همه ملت ایران، ما هم راه می‌افتیم. امام خمینی هم راه می‌افتد. ما این انقلاب را مفت به دست نیاوردیم که باز یچه یک مشت باز یگران بین‌المللی شویم. ۶۰ هزار بهترین جوانان ما کشته شدند. حالا می‌خواهند اول کردستان را، بعد بلوچستان را ترک کن، بعد خوزستان را ترک کن و بعد تهران بماند و کویر لوت و کرمان، عاقبت کار همین است. والا هر روز توطئه، خیانت، این ملت تحمل نمی‌کند... بالاخره باید به دست ملت این تحریکات از بین برود. این آتش‌ها خاموش شود و فتنه‌ها از بین برود... تا فقط حاکمیت برای خدا و قانون بماند.» [۲۵]

این ادعا که برای خاموش کردن «فتنه»، «امام خمینی هم راه می‌افتد»، بر ساخته طالقانی نبود. خمینی، خود آن را گفته بود؛ پس از ظهر پنجشنبه هشتم شهریور و در نشستی که با طالقانی و آیت‌الله صدوقی و هاشم صباغیان، وزیر کشور داشت. پیداست که باز تلاش شده بود که «امام» از ادامه کشت و کشتار چشم پوشد و به درخواست مذاکره با کردها پاسخ مثبت دهد.

روایت آیت‌الله صدوقی از آنچه گذشت، بسی روشن‌تر است: «در ملاقات آیت‌الله طالقانی و وزیر کشور با امام خمینی گفته شد که شورشیان کرد مهلت خواسته‌اند تا به خواسته‌های آن‌ها عمل کنیم. اما رهبر انقلاب اسلامی ایران در پاسخ گفت: به خدا قسم شما را اغفال می‌کنند. آن‌ها دروغ می‌گویند. می‌خواهند از شما مهلت بگیرند تا تهیه و تدارک ببینند و بیشتر مجهز بشوند... اگر مختصر کوتاهی در امر کردستان به عمل آید و دشمن را هر چه زودتر سرکوب و منکوب نکنید، شخصا به طرف کردستان حرکت خواهیم کرد. ما نمی‌توانیم شاهد باشیم که کشور ما را تجزیه کنند.» [۲۶]

بدین سان بود که کسانی که با هدف مجاب کردن رهبر و برقرار ساختن آتش بس به دیدار وی رفته بودند، منقاد و مطیع بازگشتند و بیش از پیش آتش‌بیار جنگ شدند. با این همه، تلاش برای پایان دادن به جنگ و آغاز دوباره مذاکره، فرو ننشست. در روز ۱۲ شهریور که خبر «آزاد شدن» مهاباد و بانه پراکنده شد، ۱۸ تن از «علمای مهاباد» در تلگرامی به «حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران» گوشه‌ای از واقعیت‌ها را نوشتند، نسبت به پیامدهای ادامه جنگ با کردها هشدار دادند و خواستار مذاکره شدند.

چکیده این تلگراف تاریخی را می‌آوریم: «در نهایت تاسف و تالم مشاهده می‌شود... بر اثر تبلیغات شوم و اخبار ناصحیح مشتی مغرض و ناآگاه ذهن رهبر عالیقدر انقلاب ایران را علیه ملت کرد مشوب نموده و موجب گردیده است که علیه ملت کرد، اعلام بسیج عمومی شود. کمالینکه از سراسر کشور انواع تسلیحات سنگین و مخرب به معیت پاسداران انقلاب و مجاهدین و نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی به منظور سرکوب ملت ستمدیده کرد اعزام و در نهایت قساوت و بی‌رحمی افراد غیر مسلح و بی‌گناه را که جرمی جز کرد بودن و سنی بودند ندارند، در دادگاه اسلامی بدون محاکمه محکوم و تیرباران می‌نمایند... درگیری‌های اخیر در شهرهای کردستان... نتیجه‌ای جز انهدام و نابودی این مرز و بوم نداشته، بنابراین مردم چاره‌ای جز درگیری ناخواسته و دفاع از جان و ناموس خود ندارند. بنا به مراتب، علمای اهل تسنن در این منطقه بالاتفاق استدعا دارند رهبر عالیقدر هر چه زودتر دستور توقف نیروهای اعزامی را صادر و از طریق تقبل مذاکره با جامعه روحانیت و رهبر واقعی ملت کرد، مسئله کردستان از جهت سیاسی و ملی و مذهبی حل و از برادرکشی بیشتر در این دیار که برای مردم سرتاسر کشور فاجعه‌آمیز خواهد بود، جلوگیری نمایند. جامعه روحانیت و نماینده کلیه اقشار مهاباد تا حصول دستور و نتیجه قطعی در اداره مخابرات شهر مهاباد متحصن خواهد شد.» [۲۷]

خمینی در برابر درخواست روحانیت اهل سنت هم نرمشی نشان نداد. لشکریانش در آستانه پیروزی در جنگ، اشغال نظامی همه شهرهای کردستان و برقراری حکومت نظامی در آن سامان بودند. بی فوت وقت و با اهانت، بیانیه‌ای صادر کرد که در همان روز ۱۲ شهریور از رسانه‌های جمهوری اسلامی پخش شد: «امروز تلگرامی با قید دو فوریت به امضاء ۱۸ نفر از ائمه جماعت که رونوشت آن برای ۱۵ مقام فرستاده شده است، از مهاباد واصل شد که در آن اظهار تاسف شده است که اینجانب به واسطه تبلیغات سوء برضد کردها و اهل تسنن، بسیج عمومی نموده‌ام. من با اینکه می‌دانم علمای کردستان در مهاباد و سایر شهرستان‌ها، واقعه را آنطور که هست می‌دانند و پر واضح است که سران اشرار یا جعل امضاء به اسم علماء نموده‌اند و یا علمای جماعت را الزام به امضاء نموده‌اند. معذالک لازم است برای چندمین بار به استحضار علمای اعلام کردستان و برادران کردستانی و سایر طبقات برسانم این دسته خائن چون خود را شکست خورده و مورد تنفر ملت ایران می‌دانند، دست به این تشبهات واهی زده‌اند. از اول پیروزی انقلاب تاکنون در هر فرصتی که پیش آمده اعلام کردیم که در اسلام کرد، ترک، فارس، بلوچ، عرب، لر و ترکمن و غیر این‌ها، مطرح نیست. اسلام برای همه است و جمهوری اسلامی حق هم گروه‌ها را با عدالت و عدالت اسلامی ادا خواهد کرد... آیا ما برادران اهل سنت را دشمن می‌دانیم که بارها و بارها اعلام کرده‌ایم هیچ فرقی بین این دو فرقه نیست... ما بسیج عمومی اگر بکنیم برای پشتیبانی از برادران کردستانی و استخلاص آن‌ها از اشرار است و به خواست خداوند متعال شر آن‌ها را به زودی رفع و سران خائن را به شدت به جزای اعمالشان رسانده و...» [۲۸]

یک روز پس از پاسخ خمینی به «علمای سنی»، دکتر مصطفی چمران به «هموطنان عزیز کرد» پیامی داد که در آن از «قلع و قمع و توطئه گران» سخن رفته بود و «متواری شدن عده‌ای از مردم ساده و فریب‌خورده در کوه‌ها» و «بازگشت امنیت» به شهرهای کردستان. از اینکه چند هزار تن را در آن سه هفته از زیر تیغ آخته گذراندند و سر به نیست‌شان کردند، هیچ در آن پیام نبود. پیام، «به فرمان عفو عمومی» خمینی نیز اشاره داشت که «... همه فریب‌خوردگان به شرط آنکه اسلحه خود را تحویل دولت دهند و از گذشته خود نادم باشند، مشمول اغماض ... می‌شوند و کسانی که جرم بزرگ مرتکب شده باشند به محکمه خوانده می‌شوند». [۲۹]

دانسته نیست چه شمار از رزمندگان کرد به محاکمه فراخوانده شدند. اما می‌دانیم در هرکجا که ارتش و پاسداران استقرار یافتند، صادق خلخالی هم دادگاه‌های صحرایی بپا داشت، بی‌درنگ حکم اعدام داد و کردها را به جوخه‌های مرگ سپارد. بدین سان جنگ پارتیزانی در کردستان پا گرفت و با بسته شدن راه مشارکت سیاسی قانونی بر حزب‌ها، سازمان و رهبران راستین ملت کرد، نیروی پیشمرگ رو به رشد گذاشت.

در تهران و دیگر شهرهای بزرگ ایران نیز جریان‌ها، جرگه و شخصیت‌های شناخته شده مخالف جمهوری اسلامی به زندگی نیمه مخفی روی آوردند و یک چندی از دخالت موثر در فرایند سیاسی و پیکار آزاد و آشکار دموکراتیک بازداشته شدند. در این دوره، قدرت حاکم و نیروی محرک آن، حزب جمهوری اسلامی، هیچ مجالی را برای پیشبرد برنامه سیاسی خود که جانمایه آن تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی بود، از دست نداد. درست یک هفته پس از اشغال شهرهای کردستان و سه روز پس از درگذشت آیت‌الله طالقانی، بی‌پروا و بدون دشواری، اصل پنجم قانون اساسی را به تصویب رساندند که جمهوری اسلامی را به دین‌سالاری شیعی خودکامه‌ای فرامی‌رویانند و اهل سنت را رسماً به شهروندی درجه‌ی دوم فرومی‌کاست: «در زمان غیبت حضرت ولی عصر، عجل‌الله تعالی فرجه، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که اکثریت مردم او را به رهبری شناخته و پذیرفته باشند. و در صورتی که هیچ فقیهی دارای چنین اکثریتی نباشد، رهبر یا شورای رهبری مرکب از فقهای واجد شرایط بالا طبق اصل یک صد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.» [۳۰] تا روزی که یک یک اصولی را که می‌خواستند، در مجلس خبرگان به تصویب نرساندند و تا آستانه همه‌پرسی قانون اساسی شان در ۱۲ آذر ۱۳۵۸، به مذاکره با رهبران کرد تن ندادند و حکومت نظامی را در کردستان برنچیدند.

بخش‌های پیشین:

بخش نخست: ۲۸ مرداد کردستان (<https://www.radiozameh.com/92204#.UjBBTBYz6xl>)

بخش دوم: کردها و فراندوم ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ (<https://www.radiozameh.com/94492#.UjA5VhYz6xl>)

بخش سوم: نخستین روزهای «حکومت الله» و جنگ کردستان (<https://www.radiozameh.com/97937>)

پی‌نوشت‌ها:

۱- کیهان، ۲۷ مرداد ۱۳۵۸

۲- کیهان، (فوق العاده) ۲۸ مرداد ۱۳۵۸. همین روزنامه در روز ۲۹ مرداد نوشت: «شایعه ربودن زنان سنندج تکذیب شد»

۳- کیهان، ۲۸ تیر ۱۳۵۸

۴- کیهان، ۲۸ مرداد ۱۳۵۸

۵- کیهان، ۲۸ مرداد ۱۳۵۸

۶- کیهان، ۲۹ مرداد ۱۳۵۸

۷- کیهان، ۲۹ مرداد ۱۳۵۸

۸- کیهان، ۲۸ مرداد ۱۳۵۸

۹- کیهان، ۲۸ مرداد ۱۳۵۸

۱۰- کیهان، ۲۹ مرداد ۱۳۵۸

- ۱۱- کیهان، ۲۹ مرداد ۱۳۵۸
- ۱۲- کیهان، ۲۹ مرداد ۱۳۵۸
- ۱۳- اطلاعات، ۲۹ مرداد ۱۳۵۸
- ۱۴- اطلاعات، ۳۰ مرداد ۱۳۵۸
- ۱۵- کیهان، ۳۰ مرداد ۱۳۵۸
- ۱۶- کیهان، ۳۰ مرداد ۱۳۵۸
- ۱۷- کیهان، ۳۰ مرداد ۱۳۵۸
- ۱۸- کیهان، ۳ شهریور ۱۳۵۸
- ۱۹- کیهان، ۳ شهریور ۱۳۵۸
- ۲۰- کیهان، ۳۰ مرداد ۱۳۵۸
- ۲۱- کیهان، ۲۹ و ۳۰ مرداد ۱۳۵۸
- ۲۲- کیهان، ۳۰ مرداد ۱۳۵۸
- ۲۳- کیهان، ۲۹ مرداد ۱۳۵۸
- ۲۴- کیهان، ۳۱ مرداد ۱۳۵۸
- ۲۵- کیهان، ۱۰ شهریور ۱۳۵۸
- ۲۶- کیهان، ۱۰ شهریور ۱۳۵۸
- ۲۷- کیهان، ۱۳ شهریور ۱۳۵۸
- ۲۸- کیهان، ۱۳ شهریور
- ۲۹- کیهان، ۱۴ شهریور ۱۳۵۸
- ۳۰- کیهان ۲۲ شهریور ۱۳۵۸

مطلب را به بالاترین بفرستید: <http://balatarin.com/links/submit?phase=2&url=https://www.radiozamaneh.com/100767/&title> (خدا انقلاب و انقلاب)

<https://play.google.com/store/apps/details?>



<http://www.radiozamaneh.com>